

An Analytical-Critical Examination of the Views of Sunni Scholars on the Compilation of the Quran

Seyyed Nasrollah Mousavi-Manesh

yeuehßeHa zah ann Senaor; ffffari a ultural lottitute,Qo rdon. mosavimanesh14@gmail.com

Abstract

Since the Noble Quran is the most sacred book for Muslims and the final divine scripture, its history and the manner of its compilation and codification have heldy and continue to hold—great importance for Muslims. From the early Islamic centuries to the present, hadith scholars and exegetes have researched and discussed the timing and process of the compilation and codification of the Noble Quran within hadith and exegetical sources. Thus, a key topic in Quranic sciences is the history and manner of the compilation and codification of the Noble Quran. In Sunni hadith sources, various reports have been presented regarding the process of compiling and codifying the Quran, some of which have given rise to doubts about the historical authenticity and integrity of the existing Mushaf. The abundance of diverse accounts and historical texts in this area, along with the methods of reasoning and reconciling them, has led to the formation of different views among Sunni scholars of Quranic sciences. Although all Sunni scholars agree that the entirety of the Quranic verses were written down during the lifetime of the Messenger of God on pieces of leather, wood, bone, silk, paper, and the like, they differ regarding the manner and timing of the compilation and codification of these writings, as well as the arrangement of verses and surahs within a single Mushaf. Consequently, many Muslim scholars have sought to clarify and resolve these ambiguities. The present article aims to examine the views of eight prominent scholars in this field and, through analyzing their perspectives, highlight neteweeshy pcints in teeie posit.ons.tThese erght Sunni scholars Qe: Qāḍī ‘Abū Basr al-Bāqilān-si. his book *al-Intiṣār li-l-Qur’ān*, al-Ḥakīm al-Nī yāsābūrī (one i f the leadingt Sunni figures) in *al-Mustadrak ‘alā al-Ṣaḥīḥayn*, al-Bai hḥqī inrṣhu‘ab al-Īmān, al-Qurṭubī in his exegesis *al-Jāmi‘ li-Aḥkām al-Qur’ān*, al-Knezm in tee ti rd chapæer of dis exennsis *Lubāb al-Ta’wīl fī Ma’ānī al-Tanzīl*, al-Zarktsḥī in the section on toe ceo Pilation ofo the Quran in *al-Burhān fī ‘Ulūm al-Qur’ān*, NieāmeanDīn hl-Nī yāsābūrī in the fourth“ introduction to his exegesis *Gharā’ib al-Qur’ān* titled “The Manneo of Compiling the Qurae,v and al-Zurqnnī in the eighth discustion of hin book *Manāhil al-‘Irfān*. The present research is qualitative and theoretical in nature, conducted with an analytical-critical

Cite this article: Mousavi-Manesh, S.N. (2025). An Analytical-Critical Examination of the Views of Sunni Scholars on the Compilation of the Quran. *Studies of Qur'anic Sciences*, 7(4), p. 67-88. <https://doi.org/10.22081/jqss.2026.69754.1323>

Received: 2025-06-15 ; **Revised:** 2025-08-19 ; **Accepted:** 2025-09-21 ; **Published online:** 2025-12-26

Type of article: Research Article

Publisher: Islamic Sciences and Culture Academy

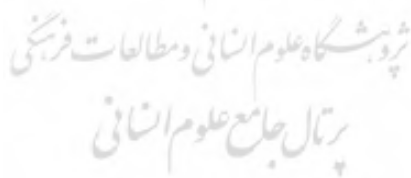
©2025/authors retain the copyright and full publishing rights



<https://jqss.isca.ac.ir/>

approach using a documentary-library method. The author has descriptively and comparatively analyzed the views of these scholars by examining reliable Sunni sources, and through critical evaluation, has scrutinized the contradictions and argumentative foundations of each perspective. The objective of this study is to elucidate and offer a scholarly critique the evolution of the views of these eight prominent Sunni scholars regarding the compilation of the Quran. Based on the findings of this research, Sunni scholars unanimously affirm the divine and revelatory nature of the Quran, yet they present differing views on the manner and timeline of its compilation process. A comparative examination of hadith, exegetical, and historical sources reveals that reports of the compilation of the Quran are, in some cases, marked by contradictions and inconsistencies, making it difficult to provide a single, definitive account of its stages. Nevertheless, the views and scholarly approaches of these thinkers, despite minor methodological differences, rest on several shared principles: precise historical analysis, reliance on authentic sources, integration of analytical methods, attention to the role of key figures in Quranic history, and defense of the accuracy and integrity of the compilation process. In this way, they have endeavored to present a documented, coherent, and scientific picture of the process of compiling and codifying the Quran, demonstrating that this process played a foundational role in preserving, transmitting, and perpetuating the authenticity of the Quranic text throughout history—a principle that enjoys consensus among all Muslims.

Keywords: Quran, Mushaf, compilation, Sunni scholars.





دراسة تحليلية نقدية لآراء علماء أهل السنة في مسألة جمع القرآن

سيد نصرالله موسوي منش

خريج المستوى الثالث؛ الحوزة العلمية في قم؛ وباحث أول في العلوم الإسلامية في مؤسسة الثقافة الجعفرية، قم، إيران.
mosavimanesh14@gmail.com

الملخص

تُعَدُّ مسألة تاريخ جمع القرآن وتدوينه من الموضوعات المهمة في علوم القرآن. فمنذ القرون الإسلامية الأولى إلى اليوم، تناول المحدثون والمفسرون كيفية جمع القرآن بالبحث والدراسة. وقد وردت في المصادر الحديثية لأهل السنة تقارير متعددة حول هذه العملية، أدت في بعض الأحيان إلى إثارة شبهات تتعلق بالمصادقية التاريخية وأصالة المصحف المتداول؛ ولذلك سعى عدد من العلماء المسلمين إلى توضيح هذه الإشكالات ومعالجتها. ومع أن علماء أهل السنة يتفقون على أن جميع آيات القرآن كانت قد كُتبت في حياة النبي الأكرم (صلى الله عليه وآله وسلم) على مواد مختلفة مثل الجلود والخشب والعظام، فإن بينهم اختلافاً في تحديد زمن الجمع النهائي للقرآن وكيفية ترتيب سورة. أنجز هذا البحث بمنهج تحليلي نقدي وبالاعتماد على الطريقة الوثائقية - المكتبية. وقد قام الباحث بدراسة المصادر المعتبرة عند أهل السنة، محللاً آراء العلماء تحليلاً وصفيّاً مقارناً، مع تقويم نقدي يبين أوجه التعارض والأسس الاستدلالية لكل رأي. ويُعَدُّ هذا البحث من الدراسات النظرية الكيفية، ويهدف إلى تبيين المسار التاريخي لآراء علماء أهل السنة في موضوع جمع القرآن ونقدها نقداً علمياً. وتُظهر نتائج الدراسة أن هؤلاء العلماء، على الرغم من بعض الاختلافات الجزئية في المنهجية، يتفقون على جملة من الأصول، منها: الاعتماد على التحليل التاريخي، والاستناد إلى المصادر الموثوقة، والجمع بين المناهج التحليلية، والاهتمام بدور الشخصيات المحورية في عملية الجمع، مع التأكيد على سلامة ودقة عملية جمع القرآن. كما سعى إلى تقديم صورة علمية موثقة لكيفية حفظ القرآن الكريم وانتقاله عبر الأجيال.

الكلمات المفتاحية: القرآن، المصحف، جمع القرآن، علماء أهل السنة.

استناداً إلى هذه المقالة: موسوي منش، سيد نصرالله (١٤٠٤ هـ). دراسة تحليلية نقدية لآراء علماء أهل السنة في مسألة جمع القرآن. دراسات علوم القرآن، (٤) ٧، ص ٦٧-٨٨. <https://doi.org/10.22081/jqss.2026.69754.1323>

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٥/٠٦/١٥؛ تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٨/١٩؛ تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٩/٢١؛ تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/١٢/٢٦

النشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية

نوع المقالة: بحثية



<https://jqss.isca.ac.ir/>

واکاوی تحلیلی - انتقادی دیدگاه اندیشمندان اهل سنت در موضوع گردآوری قرآن

سید نصرالله موسوی منش

سطح ۳، حوزه علمیه قم؛ مؤسسه فرهنگ جعفری، قم، ایران. mosavimanesh14@gmail.com

چکیده

یکی از مباحث مهم در علوم قرآنی، موضوع تاریخ جمع‌آوری و تدوین قرآن است. از قرون نخستین اسلامی تاکنون، محدثان و مفسران درباره چگونگی گردآوری قرآن، پژوهش و بحث کرده‌اند. در منابع حدیثی اهل سنت گزارش‌های گوناگونی درباره این فرآیند ارائه شده که در برخی موارد، موجب طرح شبهاتی درباره اعتبار تاریخی و اصالت مصحف موجود گردیده است؛ از این رو، بسیاری از اندیشمندان مسلمان درصدد تبیین و رفع این ابهام‌ها برآمده‌اند. هرچند میان علمای اهل سنت اتفاق نظر وجود دارد که در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) همه آیات قرآن بر مواد گوناگونی مانند پوست، چوب و استخوان نوشته شده است، اما درباره زمان و شیوه گردآوری نهایی و ترتیب سوره‌ها اختلاف نظرهایی میان آنان دیده می‌شود. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی - انتقادی و به روش اسنادی - کتابخانه‌ای انجام شده است. نویسنده با بررسی منابع معتبر اهل سنت، دیدگاه اندیشمندان را به صورت توصیفی و تطبیقی تحلیل کرده و با ارزیابی انتقادی، تعارض‌ها و مبانی استدلالی هر دیدگاه را واکاوی نموده است. این تحقیق از نوع کیفی و نظری است و هدف آن، تبیین و نقد علمی سیر تحول دیدگاه‌های اهل سنت درباره جمع قرآن می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اندیشمندان یادشده، با وجود تفاوت‌های جزئی در روش‌شناسی، همگی بر اصولی چون تحلیل تاریخی، استناد به منابع معتبر، تلفیق روش‌های تحلیلی، توجه به نقش شخصیت‌های کلیدی و دفاع از صحت و دقت فرآیند جمع‌آوری قرآن تأکید داشته و تلاش نموده‌اند تصویری علمی و مستند از چگونگی حفظ و انتقال قرآن ارائه دهند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، مصحف، گردآوری قرآن، اندیشمندان اهل سنت.

استناد به این مقاله: موسوی منش، سید نصرالله (۱۴۰۴). واکاوی تحلیلی - انتقادی دیدگاه اندیشمندان اهل سنت در موضوع گردآوری قرآن. مطالعات علوم

قرآن، ۴۷(۴)، ص ۶۷-۸۸. <https://doi.org/10.22081/jqss.2026.69754.1323>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

نوع مقاله: پژوهشی

© ۱۴۰۴ / نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.



<https://jqss.isca.ac.ir/>

۱. مقدمه

تاریخ و کیفیت جمع‌آوری و تدوین قرآن از نظر مسلمانان اهمیت بسیاری داشته و در قرن‌های متقدم، در خلال منابع حدیثی فراوانی درباره آن بحث شده است. آثار تفسیری و کتاب‌های مربوط به علوم قرآنی نیز بخش‌هایی را بدان اختصاص داده‌اند؛ اما با بررسی منابع روایی اهل سنت، شبیهاتی درباره اعتبار این کتاب آسمانی مطرح می‌شود و به همین جهت بسیاری از اندیشمندان فریقین سعی در توجیه و رفع این شبهه‌ها داشته‌اند. فراوانی روایات و متون تاریخی مختلف در این زمینه و چگونگی استدلال و جمع بین آنها، باعث ایجاد دیدگاه‌های مختلف در بین اندیشمندان علوم قرآنی اهل سنت گردیده است. هرچند همه اندیشمندان اهل سنت اتفاق نظر دارند که کل آیات قرآن در دوران حیات رسول خدا (ص) بر روی قطعه‌هایی از پوست، چوب، استخوان، حریر، کاغذ و غیره نگاشته شده است؛ اما در کیفیت و زمان جمع‌آوری و تدوین آن نوشته‌ها و ترتیب آیه‌ها و سوره‌ها در یک مصحف، اختلاف نظر دارند. این نوشتار بر آن است تا به بررسی دیدگاه هشت تن از اندیشمندان مشهور در این عرصه بپردازد و به نکات قابل تأمل در آنها دست یازد.

۲. پیشینه پژوهش

موضوع جمع‌آوری قرآن از بنیادی‌ترین مباحث در علوم قرآنی و تاریخ تدوین متون اسلامی است. این بحث، هم جنبه‌ی تاریخی دارد و هم جنبه‌ی کلامی؛ زیرا به مسئله‌ی «حفظ الهی قرآن» و نیز «وثاقت نقل وحی» بازمی‌گردد. از صدر اسلام تا امروز، اندیشمندان مسلمان در این باره سخن گفته‌اند که آیا قرآن در زمان پیامبر اکرم (ص) به صورت کامل گردآوری و تنظیم شده بود یا این فرآیند در دوره‌ی پس از وفات آن حضرت و در زمان خلفا انجام گرفت. در زمینه پیشینه موضوع جمع قرآن در میان اندیشمندان اهل سنت، می‌توان ابن سعد (م ۲۳۰ق) را از نخستین افرادی دانست که روایات مربوط به جمع قرآن را در بخشی با عنوان «ذِکْرُ مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ» گرد آورده است. پس از او، بخاری (م ۲۵۶ق) در صحیح خود، افزون بر ذکر پراکنده این روایات در ابواب مختلف، مجموعه‌ای از آنها را در بابی مستقل با عنوان «جمع القرآن» تنظیم کرده است. همچنین طبری (م ۳۱۰ق) در مقدمه‌ی جامع‌البیان، به نقل و بررسی روایات مرتبط با جمع قرآن پرداخته است. در میان متکلمان و اندیشمندان متأخرتر، قاضی ابوبکر باقلانی (م ۴۰۳ق) از نخستین کسانی است که در کتاب *الاتصار للقرآن* به صورت مبسوط به طرح و نقد روایات مربوط به جمع قرآن پرداخته و دیدگاه‌های گوناگون را تحلیل کرده است. پس از او، ابن عطیه (م ۵۴۶ق) در *المحرر الوجیز* نیز این بحث را با دقت و تفصیل دنبال کرده است. در دوره‌های بعد، زرکشی (م ۷۹۴ق) در *البرهان فی علوم القرآن*، سیوطی (م ۹۱۱ق) در *الاتقان فی علوم القرآن* و زرقانی (م ۱۳۶۷ق) در *مناهل العرفان* به صورت گسترده به بررسی مسئله‌ی جمع قرآن پرداخته و در این زمینه

دیدگاه‌های خود را بیان کرده‌اند. به‌طور کلی، از قرن سوم تا زمان معاصر، موضوع جمع و تدوین قرآن در آثار اندیشمندان اهل سنت به‌صورت جدی مطرح بوده و هر یک از آنان با توجه به مبانی اعتقادی و تاریخی خود به تحلیل روایات مربوط پرداخته‌اند. مرور پیشینه‌ها نشان می‌دهد که در میان اهل سنت، اجماع تقریبی بر جمع قرآن پس از پیامبر وجود دارد؛ اما در جزئیات و مراحل آن اختلاف فراوان است. پژوهش‌های معاصر کوشیده‌اند با رویکردی تحلیلی و انتقادی، به بررسی اسناد و روایات بپردازند تا تصویر دقیق‌تری از فرآیند تاریخی جمع قرآن به‌دست آورند. بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد با رویکردی تحلیلی - تطبیقی، دیدگاه‌های اندیشمندان برجسته‌ی اهل سنت را درباره مراحل و کیفیت جمع قرآن واکاوی کرده و در نهایت به ارزیابی انتقادی کاستی‌های هر دیدگاه بپردازد.

۳. تأملی بر دیدگاه باقلانی (وفات ۴۰۳ق)

قاضی أبوبکر باقلانی در کتاب «الاتصار للقرآن» دیدگاه خود را نسبت به تاریخ و کیفیت جمع‌آوری و تدوین قرآن چنین بیان می‌کند: «همانا رسول خدا(ص) پایه‌گذار سنت جمع و نگاشتن قرآن بوده، به این کار دستور داده و بر کاتبان آن املا نموده است. ایشان از دنیا رحلت نفرمود، مگر اینکه عده‌ای از یارانش کلّ قرآن را حفظ کرده و سایر افراد نیز به‌صورت پراکنده قسمتی از آن را به حافظه سپردند؛ تا آنجا که به مکان آیه‌ها و سوره‌ها آگاهی پیدا کردند؛ به‌گونه‌ای که هر کس حافظ کلّ قرآن نباشد نیز، به این مواضع آگاهی داشت. أبوبکر، عمر بن خطاب، زید بن ثابت و افراد اُمت در جمع‌آوری قرآن بین دو لوح، کار صوابی انجام دادند ... همانا أبوبکر در جمع کردن مردم بر یک مصحف و قرائت‌های محدود، و منع از غیر آنها، کار صواب و پسندیده‌ای انجام داد. علی بن ابی‌طالب(ع)، اهل بیت و شیعیان ایشان در جمع‌آوری قرآن تابع رأی أبوبکر و عثمان بوده‌اند. علی بن ابی‌طالب(ع) نیز به صواب بودن جمع قرآن توسط أبوبکر و عثمان نطق کرده و بدان شهادت داده است. عثمان همان قصد أبوبکر در جمع قرآن بین دو لوح را نداشت؛ بلکه وی قصد جمع کردن مردم بر قرائت‌های ثابت شده از پیامبر(ص) که بر آن بزرگوار عرضه شده، و ملغی کردن سایر قرائت‌ها را داشت». (باقلانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، صص ۶۴-۶۵)

در تحلیل این دیدگاه چندین نکته قابل تأمل است:

اول: روشن است که گوینده تنها به تعدادی از روایات باب جمع‌آوری و تدوین قرآن استدلال نموده و به دیگر روایات متعارض و متناقض این باب توجهی نداشته است (نک: موسوی منش، ۱۴۰۲، ص ۱۳ به بعد).

دوم: در این متن ادعا شده که أبوبکر نخستین جمع‌کننده قرآن در یک مصحف می‌باشد؛ اما سایر روایات و دیدگاه‌ها که نخستین جمع‌کننده قرآن را افراد دیگری همچون امیر مؤمنان(ع) (نک: ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۹۷۴؛ سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۲۴۸؛ ابن‌ابی‌شیبیه، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۴۸،

ح ۳۰۲۳۰؛ ابن ابی داود، ۱۴۲۳ق، صص ۵۹-۶۰؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، صص ۳۶-۳۸، ح ۲۳-۲۶؛ ابونعیم، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۶۷؛ ابن ندیم، ۱۴۱۷ق، صص ۴۵-۴۶)، عمر بن خطاب (نک: ابن ابی داود، ۱۴۲۳ق، ص ۶۰؛ سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، صص ۲۰۴-۲۰۵؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۹، ص ۱۳) و سالم مولی ابی حذیفه (نک: سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۲۰۵) برمی شمارند، با صراحت این ادعا را رد می کنند.

سوم: در دیدگاه یادشده آمده است که ابوبکر مردم را بر یک مصحف جمع نمود. اگر این سخن صحیح باشد، پس علت سوزاندن مصحف ها در زمان خلافت عثمان چه بود؟! (نک: بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۶، صص ۱۸۳-۱۸۴، ح ۴۹۸۷؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، صص ۶۱-۶۲، ح ۲۳۷۴؛ سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، صص ۲۰۸-۲۰۹؛ ابن ابی داود، ۱۴۲۳ق، ص ۸۸) این عمل نشان می دهد تا آن زمان، مصحف جامع وجود نداشته است. علاوه بر این، روایات و دیدگاه دیگر اندیشمندان اهل سنت حکایت از این امر دارد که جمع کردن مردم بر قرائت مصحف واحد، توسط عثمان صورت گرفته است (نک: متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، صص ۵۸۰-۵۸۱ و ۴۷۷۴ و ۵۸۳-۵۸۴، ح ۴۷۷۷؛ ابن ابی داود، ۱۴۲۳ق، صص ۶۹ و ۹۷-۹۸؛ سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۲۱۰؛ نظام الدین نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۷؛ زرقانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۲).

چهارم: دیدگاه مورد بحث، از یک سو جمع کردن مردم بر قرائت های ثابت شده و محدود را به ابوبکر نسبت داده است؛ آنجا که می گوید: «همانا ابوبکر در جمع کردن مردم بر یک مصحف و قرائت های محدود و منع از غیر آنها، کار صواب و پسندیده ای انجام داد». و از سوی دیگر، همان عمل را به عثمان نسبت می دهد؛ چراکه پس از آن می گوید: «عثمان ... قصد جمع کردن مردم بر قرائت های ثابت شده از پیامبر که بر آن بزرگوار عرضه شده و ملغی کردن سایر قرائت ها را داشت». و این، تناقضی آشکار و نشان از آشفتگی متن دارد.

پنجم: در این دیدگاه، امیر مؤمنان (ع) به صواب بودن جمع آوری قرآن توسط ابوبکر و عثمان شهادت داده است. با اندک تأملی در روایات جمع آوری قرآن پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) که از فریقین نقل شده است، تناقض و کذب این موضوع آشکار می گردد (نک: موسوی منش، ۱۴۰۲، ص ۳۵ به بعد).

۴. تأملی بر دیدگاه حاکم نیشابوری (وفات ۴۰۵ق)

حاکم نیشابوری از بزرگان اهل سنت در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» پس از نقل کردن حدیث مشهور زید بن ثابت در مورد تألیف قرآن در محضر رسول خدا (ص) چنین اضافه می کند: «این حدیث بر مبنای رجالی بخاری و مسلم صحیح است؛ ولی آن را نقل نکرده اند. در این حدیث، بیان روشنی وجود دارد که نشان می دهد جمع آوری قرآن در یک مرحله صورت نگرفته است؛ بلکه یک مرحله در محضر

رسول خدا(ص) صورت گرفت؛ مرحله‌ی دیگر در زمان خلافت ابوبکر انجام شد؛ و مرحله‌ی سوم که ترتیب سوره‌ها بود، در زمان خلافت عثمان صورت پذیرفت». (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۴۹، ح ۲۹۰۱).

در نقد و بررسی این دیدگاه نیز نکته‌های قابل تأمل فراوانی وجود دارد:

اول: روایات اهل سنت در جمع‌آوری قرآن از لحاظ مدلول، آشفته‌گی، تعارض و تناقض بسیار شدیدی با همدیگر دارند؛ به همین جهت فاقد اعتبار بوده و از حجیت ساقط هستند.

دوم: این اندیشمند بزرگ برای دیدگاه خود تنها یک حدیث را مدنظر قرار داده و بدان استدلال نموده است؛ حال آنکه به دیگر روایات متعارض و متناقض در باب جمع‌آوری و تدوین قرآن، توجهی نکرده است.

سوم: چگونه می‌توان به تنهایی از حدیث مورد اشاره چنین نتیجه گرفت که جمع‌آوری قرآن در سه زمان مختلف و با آن کیفیت خاص صورت گرفته است؟! چنین نتیجه‌ای تنها با ضمیمه کردن تعدادی دیگر از روایات جمع‌آوری قرآن میسر خواهد بود؛ اما همان‌گونه که اشاره شد، روایات اهل سنت در موضوع یادشده تعارض و تناقض بسیار شدیدی با همدیگر دارند.

چهارم: دیدگاه حاکم نیشابوری که یک مرحله از جمع‌آوری قرآن را به زمان حیات پیامبر اکرم(ص) برمی‌گرداند، با روایات صریح جمع‌آوری قرآن و دیدگاه اکثر اندیشمندان اهل سنت مبنی بر اینکه آیه‌های قرآن در آن زمان بدون جمع‌آوری بر روی پوست، استخوان، چوب، سنگ‌های نازک و غیره به صورت پراکنده نوشته شده بودند، اختلاف دارد (نک: بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۷۱، ح ۴۶۷۹ و ص ۱۸۳، ح ۴۹۸۶؛ ج ۹، ص ۷۴-۷۵، ح ۷۱۹۱؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، صص ۶۰-۶۱، ح ۲۳۷۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، صص ۵۷۴-۵۷۵، ح ۴۷۵۹؛ بیهقی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۴۳؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۵؛ ابن ابی‌داود، ۱۴۲۳ق، ص ۶۲)؛ مگر اینکه این اندیشمند بزرگ از کلمه جمع، معنای خاصی اراده کرده باشد که در این صورت نیز با سایر روایات متعارض خواهد بود.

پنجم: از ظاهر عبارت حاکم، برمی‌آید که سه جمع مذکور، مکمل همدیگر بوده و به هم ارتباط داشته‌اند؛ اما از سخنان برخی اندیشمندان اهل سنت و ظاهر تعدادی از روایات جمع‌آوری قرآن برمی‌آید که جمع ابوبکر، ارتباطی به نوشته‌های پیامبر اکرم(ص) نداشته است؛ بلکه جمع‌آوری او از روی نوشته‌های افراد و حافظه‌ی آنان صورت پذیرفته است. (نک: بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۷۱، ح ۴۶۷۹ و ص ۱۸۳، ح ۴۹۸۶؛ ج ۹، صص ۷۴-۷۵، ح ۷۱۹۱؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، صص ۶۰-۶۱، ح ۲۳۷۲؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۵؛ قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۱، ص ۴۹).

ششم: در دیدگاه مورد اشاره چنین آمده که ترتیب سوره‌ها در زمان خلافت عثمان صورت گرفته است؛ حال آنکه دیدگاه برخی اندیشمندان اهل سنت و تعدادی از روایات جمع‌آوری قرآن حکایت از این

أمر دارد که عثمان تنها مردم را بر یک مصحف جمع نموده و آنان را به یک قرائت وادار کرده است (نک: متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، صص ۵۸۰-۵۸۱، ح ۴۷۷۴ و ۵۸۳-۵۸۴، ح ۴۷۷۷؛ ابن ابی داود، ۱۴۲۳ق، صص ۶۹ و ۹۷-۹۸؛ سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۲۱۰؛ نظام الدین نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۷؛ زرقانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۲).

۵. تأملی بر دیدگاه بیهقی (وفات ۴۵۸ق)

بیهقی در کتاب «شعب الایمان» در باب «جمع قرآن» دیدگاه خود را چنین ابراز می‌دارد: «از زیدبن ثابت روایت شده که گفت: ما در زمان حیات رسول خدا (ص) قرآن را بر روی پوست تألیف می‌کردیم. مراد زید از این سخن، تألیف و جمع آیه‌های پراکنده در سوره‌ها با دستور و اشاره پیامبر بوده است. سپس آیه‌هایی که در سینه‌ها (حافظه‌ها) بوده و بر روی قطعه‌هایی از پوست، سنگ‌های نازک و شاخه‌های درخت خرما نوشته شده بودند، با اشاره و صلاح دید ابوبکر، عمر و عده‌ای از مهاجرین و أنصار در صحیفه‌ها جمع گردید. پس از آن، آیه‌هایی که در صحیفه‌ها جمع شده بودند، با دستور عثمان و به همان شکلی که مدنظر پیامبر اکرم (ص) بوده در مصحف‌هایی رونوشت شدند» (بیهقی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۴۳).

در تحلیل و بررسی دیدگاه بیهقی باید گفت:

اول: همان‌گونه که پیداست، دیدگاه یادشده تنها به تعدادی از روایات مربوط به جمع‌آوری قرآن بسنده کرده و استدلال خود را بر پایه‌ی آنها استوار ساخته، اما درباره روایات متعارض و متناقض این باب، سخنی به میان نیاورده است.

دوم: در این متن، بر اساس حدیث زیدبن ثابت ادعا شده که مراد از تألیف قرآن در زمان حیات پیامبر (ص)، جمع کردن آیه‌های پراکنده در سوره‌ها می‌باشد. باید گفت: این ادعا از یک سو، بدون دلیل است؛ و از سوی دیگر، برخلاف ظاهر حدیث است؛ چراکه مضمون حدیث، تنها این امر را می‌رساند که آیه‌های قرآن بر روی پوست نوشته می‌شدند؛ اما نسبت به کیفیت جمع‌آوری و تدوین آیات قرآنی، ساکت می‌باشد.

سوم: در این دیدگاه ادعا شده که جمع‌آوری آیه‌های قرآن از نوشته‌های روی پوست، سنگ‌ها و شاخه‌های درخت خرما و نسخه‌برداری از آنها در صحیفه‌ها، به اشاره و درخواست ابوبکر، عمر و دیگر مهاجرین و أنصار صورت پذیرفت. باید گفت: روایات جمع‌آوری قرآن به لحاظ مدلول، نسبت به درخواست‌کننده جمع قرآن، تعارض و آشفتگی فراوانی داشته و با ادعای مطرح شده در اینجا اختلاف دارند (نک: بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۷۱، ح ۴۶۷۹ و ص ۱۸۳، ح ۴۹۸۶؛ ج ۹، ص ۷۴-۷۵، ح ۷۱۹۱؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، صص ۶۰-۶۱، ح ۲۳۷۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، صص ۵۷۵-۵۷۶، ح ۴۷۶۲؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۵؛ ابن ابی داود، ۱۴۲۳ق، ص ۵۱؛ سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱،

ص ۲۰۵). همچنین برخی روایات و دیدگاه‌ها حکایت از این امر دارند که أبوبکر قرآن را در صحیفه‌ها جمع‌آوری نکرده است؛ بلکه آن را در یک مصحف جمع کرده است (نک: ابن‌ابی‌شیبیه، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۴۸، ح ۳۰۲۲۹ و ۳۰۲۳۱؛ ابن‌ابی‌داود، ۱۴۲۳ق، صص ۴۸-۵۰؛ محب‌الدین طبری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۲؛ قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۱، صص ۴۹-۵۱؛ زرکشی، ۱۳۷۶ق، ج ۱، صص ۲۳۴-۲۳۵؛ نظام‌الدین نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، صص ۲۷-۲۸).

۶. تأملی بر دیدگاه قرطبی (وفات ۶۷۱ق)

قرطبی در تفسیر «الجامع لأحكام القرآن» در باب «جمع قرآن» می‌گوید: «قرآن در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) در سینه‌های مردان پراکنده بود؛ مردم نیز تعدادی از آیه‌های آن را بر روی صحیفه‌ها، شاخه‌های درخت خرما، سنگ‌های صاف و نازک، سنگ‌های تیز، سفال و غیره نوشته بودند. هنگامی که کشتار قاریان قرآن در روز یمامه، در زمان خلافت أبوبکر شدت یافت و بنابر آنچه گفته شده هفتصد نفر از آنان در آن روز کشته شدند، عمر بن خطاب به جهت نگرانی از اینکه بزرگان قراء همانند اُبی‌بن‌کعب، ابن‌مسعود و زید بن ثابت کشته شوند، به أبوبکر پیشنهاد داد قرآن جمع‌آوری شود. این دو، زید را مأمور این کار کردند و او نیز پس از خستگی بسیار، قرآن را بدون مرتب کردن سوره‌ها، جمع نمود» (قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۱، صص ۴۹-۵۰). این مفسر پس از نقل کردن حدیث مشهور زید بن ثابت در جمع‌آوری قرآن می‌گوید: «اگر گفته شود: چه وجهی دارد که عثمان مردم را بر مصحف خود جمع نمود، درحالی‌که أبوبکر قبل از او این کار را انجام داده بود؟! در پاسخ باید گفت: عثمان از کاری که کرد قصد جمع کردن مردم برای تألیف مصحف را نداشت؛ آیا ندیدی چگونه برای حفصه پیغام فرستاد که آن صحیفه‌ها را برای ما بفرست تا آنها را در مصحف‌هایی رونوشت کنیم و پس از آن به شما بازگردانیم؟ همانا عثمان این کار را تنها به این دلیل انجام داد که مردم در قرائت، به دلیل پراکندگی صحابه در شهرها اختلاف کردند؛ تا آنجا که امر در این موضوع شدت گرفت و اختلاف و طرف‌داری هر گروه از قرائت خویش، زیاد شد و بین مردم شام و عراق همان چیزی که حذیفه ذکر کرد اتفاق افتاد» (قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۱، صص ۵۰-۵۱).

در دیدگاه قرطبی سه نکته قابل تأمل است:

اول: پیش‌تر اشاره شد که روایات اهل سنت در موضوع جمع‌آوری قرآن از لحاظ مدلول، آشفتگی، تعارض و تناقض بسیار شدیدی با همدیگر دارند. این مفسر نیز دیدگاه خود را بر پایه چند حدیث استوار نموده و توجهی به روایات متعارض و متناقض این باب نداشته است.

دوم: در این دیدگاه، عمر به عنوان پیشنهاددهنده جمع‌آوری قرآن معرفی شده است؛ اما تعدادی از روایات و برخی دیدگاه‌های دیگر همانند دیدگاه خازن در این موضوع اختلاف دارند (نک: متقی‌هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، صص ۵۷۵-۵۷۶، ح ۴۷۶۲؛ ابن‌ابی‌داود، ۱۴۲۳ق، ص ۵۱؛ سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱،

ص ۲۰۵؛ خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹).

سوم: در دیدگاه یادشده، جمع‌آوری قرآن در زمان خلافت عثمان، به معنای جمع‌کردن مردم بر یک قرائت عنوان شده است. این سخن با تعدادی از روایات و دیدگاه حاکم نیشابوری که جمع‌آوری قرآن در آن زمان را به‌صورت ترتیب سوره‌ها می‌داند، تعارض دارد (نک: متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۵۸۰، ح ۴۷۷۱ و ص ۵۸۶، ح ۴۷۸۳؛ ابن ابی‌داود، ۱۴۲۳ق، ص ۱۰۶؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۴۹، ح ۲۹۰۱).

۷. تأملی بر دیدگاه خازن (وفات ۷۴۱ق)

خازن از دیگر مفسران اهل سنت در فصل سوم از تفسیر «الباب التأویل فی معانی التنزیل» که مربوط به موضوع جمع‌آوری قرآن می‌باشد، پس از نقل روایاتی از زیدبن ثابت، انس بن مالک و ابن عمر می‌گوید: «از مجموع روایات یادشده ثابت شد که قرآن در دوران حیات رسول خدا(ص) به همین شکل (به صورت نوشته‌های جداگانه بر روی صحیفه‌ها، پوست، سنگ‌های نازک، استخوان‌ها، شاخه‌های درخت خرما و غیره) تألیف و جمع گردیده بود. از آنجا که نسخ تلاوت بر تعدادی از آیه‌ها عارض می‌شد و گاهی نیز احکام آنها نسخ می‌شد، این امر باعث جمع نشدن قرآن در یک مصحف بود؛ اگر در چنین حالتی جمع می‌گردید، موجب اختلاف و اختلاط در امر دین می‌شد؛ به همین جهت خداوند متعال کتاب خود را تا پایان زمان نسخ در قلب‌ها حفظ نموده و پس از انقضای مدت نسخ، خلفای راشدین به جمع‌آوری آن موفق شدند. با دلیل صحیح ثابت شده که همانا صحابه، قرآن را - همان‌گونه که خداوند بر رسولش نازل کرده و بدون اینکه از آن کم و یا چیزی به آن اضافه کنند - بین دو جلد جمع‌آوری نموده‌اند. انگیزه‌ای که باعث شد صحابه چنین کاری را انجام دهند، همان امری بود که در حدیث وارد شده که چون قرآن بر روی شاخه‌های درخت خرما، سنگ‌های نازک و در سینه‌های (حافظه‌های) مردان پراکنده بود، با از بین رفتن تعدادی از حافظان، نسبت به از بین رفتن برخی آیه‌های قرآن نگران شدند؛ به همین جهت از خلیفه وقت ابوبکر درخواست کردند تا قرآن را جمع‌آوری نماید. ابوبکر نیز با آنان هم‌نظر شده و دستور داد با توافق همه آن‌را در یک‌جا جمع کنند. آنها نیز قرآن را همان‌گونه که از رسول خدا(ص) شنیده بودند - بدون اینکه شبی در آن تقدیم و تأخیر کنند - نوشتند و برای آن ترتیبی قرار دادند که از آن حضرت نگرفته بودند. رسول خدا(ص) نیز در زمان نزول هر آیه‌ای توسط جبرئیل امین، ترتیب آیه‌ها را - به همان ترتیبی که اکنون در مصحف‌های ما وجود دارد - به صحابه می‌آموخت و اعلام می‌فرمود که فلان آیه پس از فلان آیه در فلان سوره نوشته شود. پس ثابت شد که تلاش صحابه، در جهت ترتیب قرآن نبوده است؛ بلکه سعی آنان در جهت جمع‌آوری قرآن در یک‌جا بوده است. همانا ترتیب قرآن به همان شکلی که اکنون در مصحف‌های ما وجود دارد، در لوح محفوظ نیز نوشته شده است» (خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹).

این دیدگاه نکته‌های قابل تأمل فراوانی دارد، از جمله:

اول: همان‌گونه‌که پیشین از این بدان اشاره شد، روایات اهل سنت در جمع‌آوری قرآن از لحاظ مدلول، آشفتگی، تعارض و تناقض بسیار شدیدی با همدیگر دارند؛ به‌همین جهت فاقد اعتبار بوده و از حجیت ساقط هستند.

دوم: این مفسر برای دیدگاه خود تنها تعدادی از روایات را مدنظر قرار داده و به آنها استدلال نموده است؛ درحالی‌که به دیگر روایات متعارض و متناقض این باب، توجهی نکرده است.

سوم: در دیدگاه مورد بحث چنین آمده است: صحابه، قرآن را همان‌گونه‌که خداوند بر رسولش نازل کرده و بدون اینکه از آن کم و یا چیزی به آن اضافه کنند، بین دو جلد جمع نمودند. این سخن با روایات نقل شده از اهل سنت که به اعتراف خود صحابه حکایت از ذکر نشدن تعدادی از آیه‌ها و سوره‌ها در مصحف عثمانی دارد، متعارض و متناقض خواهد بود (نک: نسائی، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۴۰۸، ح ۷۱۱۲؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲۷۴، ح ۴۴۲۹؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۸۶، ح ۱۳۳۰ و ج ۴، ص ۳۳۲، ح ۴۳۵۲؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۶۱، ح ۳۲۷۴؛ هبیشی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۳۰۲، ح ۹۵۶۶ و ج ۷، ص ۲۸، ح ۱۱۰۳۵؛ مسلم نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۲۶، ح ۱۰۵۰).

چهارم: دیدگاه این مفسر، منشأ دستور جمع‌آوری قرآن توسط ابوبکر را درخواست صحابه و توافق همه‌ی آنان می‌داند. باید گفت: این ادعا بدون دلیل است؛ اما تعدادی از روایات جمع قرآن نیز خلاف این ادعا را ثابت می‌کنند و درخواست کنندگان را افراد معدودی همانند عمر یا زید بن ثابت و غیره معرفی می‌کنند (نک: بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۷۱، ح ۴۶۷۹ و ص ۱۸۳، ح ۴۹۸۶؛ ج ۹، ص ۷۴-۷۵، ح ۷۱۹۱؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، صص ۶۰-۶۱، ح ۲۳۷۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، صص ۵۷۵-۵۷۶، ح ۴۷۶۲؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۵؛ ابن ابی‌داود، ۱۴۲۳ق، ص ۵۱؛ سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۲۰۵).

پنجم: متن مورد بحث، مقداری آشفتگی دارد؛ ابتدا می‌گوید: صحابه قرآن را همان‌گونه‌که از رسول خدا (ص) شنیده بودند - بدون اینکه شئی در آن تقدیم و تأخیر کنند - نوشتند؛ سپس می‌افزاید: برای آن ترتیبی قرار دادند که از پیامبر نگرفته بودند؛ و پس از آن می‌گوید: ترتیب مصحف فعلی، با تعلیم آن حضرت صورت گرفته است!

ششم: در این دیدگاه چنین آمده که ترتیب قرآن در لوح محفوظ به همان شکلی است که اکنون در مصحف‌های ما وجود دارد. سؤال این است: این مفسر از چه راهی به ترتیب قرآن در لوح محفوظ آگاهی پیدا کرده است؟!

۸. تأملی بر دیدگاه زرکشی (وفات ۷۹۴ق)

زرکشی در کتاب «البرهان فی علوم القرآن» در بحث جمع‌آوری قرآن، پس از استدلال به روایت مشهور

زیدبن ثابت، چنین می‌گوید: «ثابت شد که همه قرآن در زمان حیات پیامبر در سینه‌های مردان حفظ شده بود و به استثنای سوره توبه، همانند تألیف کنونی، تألیف شده بود» (زرکشی، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۲۳۴). سپس در موضوع رونوشت قرآن در مصحف‌ها می‌گوید: «بدان آنچه مشهور است، عثمان نخستین کسی بود که مصحف‌ها را جمع‌آوری نمود؛ اما به سبب آنچه بیان کردیم چنین نیست؛ بلکه نخستین کسی که قرآن را در یک مصحف جمع‌آوری نمود، ابوبکر بود؛ سپس زمانی که عثمان از اختلاف در قرائت نگران شد، دستور داد آن مصحف را در مصحف‌هایی رونوشت کنند» (زرکشی، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۲۳۵).

در ادامه پس از استدلال به روایت مشهور انس بن مالک درباره جمع‌آوری قرآن در زمان خلافت عثمان چنین می‌گوید: «این روایت به روشنی اثبات می‌کند که صحابه همان قرآن نازل شده را بدون اضافه و حذف بین دو جلد، جمع‌آوری نمودند. آنچه آنها را وادار به جمع‌آوری آن کرد، موضوعی است که در حدیث آمده بود که قرآن در شاخه‌های درخت خرما، سنگ‌های نازک و سینه‌های مردان پراکنده بود و بیم داشتند که مقداری از آن با از بین رفتن حافظان از دست برود؛ پس آن را همان گونه که از پیامبر شنیده بودند، بدون تقدیم و تأخیر نوشتند. این ترتیب و اینکه این آیه پس از آن آیه قرار بگیرد نیز، توقیفی و از سوی آن حضرت بوده است. بنابراین ثابت شد که تلاش صحابه در جمع‌آوری قرآن بر ترتیب آیه‌ها نبوده، بلکه سعی آنان در جمع‌آوری آن در یک مکان بوده است؛ همانا قرآن در لوح محفوظ نیز به همان ترتیب مصحف‌های کنونی ما نوشته شده است» (زرکشی، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۲۳۶).

این دیدگاه همانند دیدگاه‌های پیشین نکات قابل تأمل فراوانی دارد که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود.

اول: این اندیشمند همانند سایر اندیشمندان تنها به تعدادی از روایات جمع‌آوری قرآن استدلال نموده است و در مورد روایات معارض و متناقض سخنی به میان نیاورده است؛ بنابراین استدلال وی ناقص است.

دوم: این دیدگاه، ابوبکر را نخستین جمع‌کننده قرآن در یک مصحف معرفی می‌نماید؛ حال آنکه خود اعتراف می‌کند که سخن مشهور، مخالف این قول است. روایات متعارض و متناقض در این باب نیز نخستین جمع‌کننده قرآن در یک مصحف را افراد مختلفی همچون امیر مؤمنان (ع) (نک: ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۹۷۴؛ ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۴۸، ح ۳۰۲۳۰؛ سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۲۴۸؛ ابن ابی داود، ۱۴۲۳ق، صص ۵۹-۶۰؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، صص ۳۶-۳۸، ح ۲۳-۲۶؛ ابونعیم، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۶۷؛ ابن ندیم، ۱۴۱۷ق، صص ۴۵-۴۶)، عمر بن خطاب (نک: ابن ابی داود، ۱۴۲۳ق، ص ۶۰؛ سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، صص ۲۰۴-۲۰۵؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۹، ص ۱۳) و سالم مولی ابی حذیفه (نک: سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۲۰۵) معرفی کرده‌اند.

سوم: به اعتقاد زرکشی، جمع‌آوری قرآن توسط ابوبکر، به شکل جمع‌آوری آیه‌ها در یک مصحف بوده

است؛ حال آنکه بسیاری از روایات و دیدگاه برخی اندیشمندان اهل سنت، معتقدند جمع‌آوری در دوران خلافت وی به‌صورت جمع‌آوری آیه‌ها در صحیفه‌های جداگانه بوده است (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۷۱، ح ۴۶۷۹ و ج ۹، ص ۷۴-۷۵، ح ۷۱۹۱؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، صص ۶۰-۶۱، ح ۲۳۷۲؛ سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، صص ۲۰۷-۲۰۸؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۹، ص ۱۶؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۵).

چهارم: در این دیدگاه چنین آمده است: صحابه قرآن نازل شده را بدون اینکه از آن کم و یا چیزی به آن اضافه کنند، بین دو جلد جمع نمودند. این سخن با اختلاف مصحف‌ها و روایات وارد شده در منابع اهل سنت که حکایت از ذکر نشدن تعدادی از آیه‌ها و سوره‌ها در مصحف عثمانی دارد، متعارض و متناقض خواهد بود (نک: نسائی، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۴۰۸، ح ۷۱۱۲؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲۷۴، ح ۴۴۲۹؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۸۶، ح ۱۳۳۰ و ج ۴، ص ۳۳۲، ح ۴۳۵۲؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۶۱، ح ۳۲۷۴؛ هیشمی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۳۰۲، ح ۹۵۶۶ و ج ۷، ص ۲۸، ح ۱۱۰۳۵؛ مسلم نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۲۶، ح ۱۰۵۰).

پنجم: از نگاه این اندیشمندان، قرآن در لوح محفوظ بر اساس همان ترتیب موجود در مصحف‌های کنونی ما نوشته شده است. شگفتا، این محقق چگونه از ترتیب قرآن در لوح محفوظ، آگاهی پیدا کرده است؟!

۹. تأملی بر دیدگاه نظام‌الدین نیشابوری (وفات ۸۵۰ق)

نظام‌الدین نیشابوری در مقدمه چهارم تفسیر «غرائب القرآن» با عنوان «کیفیت جمع‌آوری قرآن» پس از اشاره به مضمون دو حدیث مربوط به جمع‌آوری قرآن در زمان ابوبکر و عثمان می‌گوید: «نخستین کسی که دستور جمع‌آوری قرآن در مصحف را صادر کرد ابوبکر بود، از ترس اینکه چیزی از آن گم شود؛ اما مردم را بر آن جمع نکرد. مردم تا زمان خلافت عثمان قرآن را با قرائت‌های مختلف - براساس آنچه رسول خدا(ص) و یاران ایشان به آنها آموخته بودند - تلاوت می‌کردند. سپس عثمان مردم را بر یک مصحف و یک قرائت جمع نمود؛ به همین سبب مصحف به او نسبت داده شده و به‌عنوان امام قرار گرفت. بدان که قرآن در زمان حیات پیامبر جمع‌آوری شده بود و هیچ آیه‌ای نازل نشد، مگر اینکه رسول خدا(ص) به کاتب خود دستور می‌داد آن را در جای مناسب از فلان سوره قرار دهد؛ هیچ سوره‌ای نیز نازل نشد، مگر اینکه آن حضرت به کاتب دستور می‌داد آن را در کنار فلان سوره قرار دهد. اما آیه‌ها و سوره‌ها را بین دو جلد جمع ننموده و قاریان را به ترتیب سوره‌ها ملزم نکرده بودند. هنگامی که رسول خدا(ص) رحلت فرمود، مهاجران و انصار به خدمت لشکری گرفته شدند و در بلاد اسلامی پراکنده شدند و همان‌گونه که گذشت، کشتار نیز برخی قاریان قرآن را فرا گرفت، در آن زمان بیم آن می‌رفت که قرآن گم شود، لذا

دستور دادند آن را در مصحف جمع آوری کنند» (نظام‌الدین نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، صص ۲۷-۲۸).

نکات قابل تأمل در این دیدگاه عبارت‌اند از:

اول: این اندیشمند تنها به مضمون دو حدیث اکتفا نموده و آن دو را پایه‌ی دیدگاه خود قرار داده است؛ درحالی‌که به دیگر روایات متعارض و متناقض مربوط به موضوع جمع آوری قرآن هیچ توجهی نکرده است.

دوم: در این دیدگاه آمده است: أبوبکر نخستین کسی بود که دستور جمع آوری قرآن در یک مصحف را صادر کرده است؛ اما روایات دیگر دارد که عمر اولین دستوردهنده و جمع‌کننده قرآن در مصحف می‌باشد (نک: ابن‌ابی‌داود، ۱۴۲۳ق، ص ۶۰؛ سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، صص ۲۰۴-۲۰۵؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۹، ص ۱۳) و از مضمون تعدادی دیگر از روایات برمی‌آید که عثمان نخستین دستوردهنده به این کار بوده است (نک: بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۶، صص ۱۸۳-۱۸۴، ح ۴۹۸۷؛ بیهقی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، صص ۶۱-۶۲، ح ۲۳۷۴؛ سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، صص ۲۰۸-۲۰۹؛ ابن‌ابی‌داود، ۱۴۲۳ق، صص ۸۸ و ۱۰۰-۱۰۱؛ متقی‌هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، صص ۵۸۴-۵۸۵، ح ۴۷۷۹).

سوم: در دیدگاه مورد بحث، مصحف عثمان به عنوان «امام» معرفی شده است؛ حال آنکه در روایات جمع آوری قرآن در زمان خلافت عمر، مصحف وی نیز به عنوان «امام» معرفی گردیده است (نک: ابن‌ابی‌داود، ۱۴۲۳ق، ص ۶۳؛ متقی‌هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۵۷۵، ح ۴۷۶۰).

چهارم: این مفسر ادعا کرده که آیه‌های قرآن از عصر پیامبر اکرم (ص) مرتب شده بودند. این ادعا با دیدگاه حاکم نیشابوری (نک: حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۴۹، ح ۲۹۰۱) و دیدگاهی که می‌گوید: کل قرآن در زمان حیات رسول خدا (ص) نوشته شده بود، اما این نوشتار بدون ترتیب دادن سوره‌ها و جمع آنها در یک جا بوده است (نک: سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۲۰۲)، اختلاف و تعارض جدی دارد.

۱۰. تأملی بر دیدگاه زرقانی (وفات ۱۳۶۷ق)

زرقانی در مبحث هشتم کتاب «منهل العرفان» بحث مفصلی در موضوع «جمع آوری قرآن» ارائه نموده است. وی در آغاز درباره کلمه جمع قرآن و مراحل جمع آوری قرآن می‌گوید: «کلمه‌ی جمع قرآن گاهی اطلاق می‌شود و مراد از آن حفظ و به‌خاطر سپردن قرآن در سینه‌هاست. گاهی نیز اطلاق می‌شود و مقصود آن است که کل قرآن با حروف، کلمات، آیه‌ها و سوره‌ها نوشته شود. جمع آوری قرآن به معنای نگاشتن آن در صدر اسلام سه بار صورت گرفت: نخستین بار در زمان حیات پیامبر، بار دوم در زمان خلافت أبوبکر و بار سوم در دوران خلافت عثمان صورت گرفت. تنها در همین آخرین مرحله، قرآن در مصحف‌ها رونوشت شد و به شهرهای اطراف فرستاده شد» (زرقانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۹). ایشان پس از

آن متعرض بحث جمع‌آوری قرآن به معنای حفظ آن در سینه‌ها می‌شود. زرقانی در این بحث تعداد بیست و هفت نفر از حافظان قرآن در زمان رسول خدا(ص) را نام می‌برد و درصدد توجیه حدیث انس بن مالک که جمع‌کنندگان (حافظان) قرآن را در چهار نفر محصور کرده بود برمی‌آمد. ایشان این توجیه خود را بعید می‌داند، اما چنین می‌افزاید که برای جمع بین روایات دیگر در این زمینه ناچاریم که آن را بپذیریم. وی در بحث جمع‌آوری قرآن به معنای نوشتن آن در عهد رسول خدا(ص) می‌گوید: «اما قرآن بیشترین سهم از عنایت پیامبر اکرم(ص) و یاران ایشان را دریافت کرد و عنایت به حفظ و به خاطر سپردن قرآن، آنان را از اهتمام به نوشتن آن - در حدی که وسایل و ابزار نوشتن در عصرشان اجازه می‌داد - دور نکرد. این همان رسول خداست که برای خویش کاتبان وحی قرار داد و هرگاه چیزی از قرآن نازل می‌شد، دستور می‌داد آن را بنویسند. آن حضرت همچنین آنان را به مکان شیء نوشته شده در سوره خود راهنمایی می‌کرد. کاتبان نیز آن شیء را بر روی هر چه برایشان آسان بود، همانند شاخه‌های درخت خرما، سنگ‌های صاف و نازک، قطعه‌هایی از کاغذ یا پوست و استخوان‌های شانه یا پهلوی حیوان می‌نوشتند، سپس شیء نگاشته شده در منزل رسول خدا(ص) قرار داده می‌شد و بدین‌سان دوران مبارک نبوی سپری شد، درحالی که قرآن به این شیوه جمع‌آوری شد؛ اما نه بر روی صحیفه‌ها نوشته شده بود و نه در مصحف‌ها، بلکه همان‌طور که شنیدی در میان قطعه‌هایی از کاغذ یا پوست یا استخوان‌ها و امثال آن که ذکر کردیم به صورت پراکنده نوشته شده بود» (زرقانی، بی‌تا، ج ۱، صص ۲۴۶-۲۴۷).

دلایل مطرح شده از سوی زرقانی برای جمع‌نشدن قرآن در صحیفه‌ها یا مصحف‌ها در زمان پیامبر اکرم(ص) به شرح ذیل است:

۱) انگیزه‌های نوشتن قرآن در صحیفه‌ها در زمان خلافت ابوبکر و یا نسخ آن در مصحف‌ها در زمان خلافت عثمان، در عصر نبوی وجود نداشت؛ چراکه در عصر نبوی، مسلمانان، به خیر و سلامتی، قاریان قرآن، فراوان، اسلام هنوز منتشر نشده، از فتنه نیز، در امان، اتکای مسلمانان بر حفظ قرآن، بیشتر از نوشتن آن بوده و ادوات نوشتار نیز سهل و آسان نبوده است.

۲) پیامبر اکرم(ص) در معرض نزول وحی برای نسخ آیه‌ها بوده است.

۳) قرآن به‌صورت دفعی نازل نشده بود، بلکه به‌صورت تدریجی و در مدت بیست سال یا بیشتر نازل گردیده بود.

۴) ترتیب آیه‌ها و سوره‌های قرآن بر اساس ترتیب نزول نمی‌باشد؛ چراکه نزول قرآن بر اساس اسباب مختلف و ترتیب آن بر اساس اعتبارات دیگر بوده است. بنابراین اگر قرآن با این وصف در صحیفه‌ها یا مصحف‌ها جمع می‌شد، هر زمان که نسخ یا علت دیگری رخ می‌داد، موجب تغییر صحیفه‌ها یا مصحف‌ها می‌گردید؛ این در حالی است که شرایط آن زمان غیر مساعد و وسایل نوشتار نیز آسان نبوده است.

زرقانی در بحث جمع‌آوری قرآن در دوران خلافت ابوبکر، ابتدا چرایی جمع‌آوری قرآن در این زمان را بیان نموده و پس از تأیید کردن مطلب یادشده با حدیث مشهور زید بن ثابت، کیفیت جمع‌آوری قرآن در آن دوران را نیز بیان می‌کند؛ سپس ویژگی‌های صحیفه‌های جمع‌شده در زمان خلافت ابوبکر را به شرح ذیل بیان می‌کند: «نخست اینکه این صحیفه‌ها، قرآن را بر اساس دقیق‌ترین شیوه‌های جستجو و تفحص و سالم‌ترین اصول علمی نگاشتن و ثبت کردن، جمع نموده‌اند. دوم اینکه در این صحیفه‌ها تنها به ثبت و نوشتن آیه‌هایی که تلاوت آنها نسخ نشده اکتفا شده است. سوم اینکه این صحیفه‌ها به اجماع اُمت دست یافته و آنچه در آنها نگاشته شده متواتر می‌باشد» (زرقانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۵۳). پس از آن ملاحظه‌ای به شرح ذیل ارائه می‌دهد: «جمع‌آوری قرآن در صحیفه‌ها یا مصحف به سبک یادشده و با ویژگی‌های قبلی که برای شما ذکر کردیم، قبل از ابوبکر برای کسی شناخته شده نبود و این منافاتی با این امر که صحابه صحیفه‌ها یا مصحف‌هایی داشته‌اند که از قبل در آنها قرآن را می‌نوشتند، ندارد؛ اما صحیفه‌ها یا مصحف‌های صحابه به آنچه که صحیفه‌های گردآوری شده در زمان خلافت ابوبکر، از صحت جستجو و تفحص، اکتفا به نوشتن آیه‌هایی که تلاوت آنها نسخ نشده، رسیدن به حد تواتر، اجماع مسلمانان بر آنها و شمول آنها به حروف سبعة، نایل آمد، به دست نیاوردند. لذا، در این بحث ضروری ندارد که گفته شود: علی (ع) نخستین کسی بود که پس از رحلت رسول خدا (ص) قرآن را جمع‌آوری کرد و اینکه بر این امر از آنچه سیوطی از ابن‌الغرس از حدیث محمد بن سیرین از عکرمه نقل کرده، استدلال کند، موضوع ما را بر هم نمی‌زند». ایشان روایت سیوطی در این موضوع را نقل می‌کند و پس از آن می‌گوید: «نهایت مطلبی که این روایت می‌رساند اینکه ثابت می‌کند علی (ع) یا برخی صحابه، قرآن را در مصحف نوشته بودند، اما چنین مصحفی آن صفت اجماعی و آن ویژگی‌هایی که صحیفه‌ها یا مصحف گردآوری شده در زمان ابوبکر از آن بهره‌مند بوده‌اند را ندارد؛ بلکه این مصحف‌ها، مصحف‌های فردی هستند که نه آن اطمینان لازم را دارند و نه این ویژگی‌ها را. اگرچه مصحف‌های صحابه از نظر وجودی سبقت گرفته و از نظر زمانی مقدم شده‌اند، اما جمع ابوبکر در هر حال از نوع خود اول است؛ که علی بن ابی‌طالب (ع) خود نیز در حدیثی که ابن‌داوود با سند حسن روایت کرده به این حقیقت اعتراف نموده است» (زرقانی، بی‌تا، ج ۱، صص ۲۵۴-۲۵۵). زرقانی در پایان بحث جمع‌آوری قرآن در زمان عثمان و روایات مربوط به آن چنین نتیجه می‌گیرد: «از آنچه گذشت می‌توان بین سه مرحله‌ی جمع قرآن در عصر پیامبر، خلافت ابوبکر و خلافت عثمان تفاوت قائل شد؛ جمع در زمان حیات پیامبر عبارت از نوشتن آیه‌ها، ترتیب و گذاشتن آنها در مکان خاصی از سوره‌ها، اما با پراکندگی نوشته‌ها بر روی شاخه‌های درخت خرما، استخوان‌ها، سنگ‌ها، قطعه‌هایی از پوست، کاغذ و غیره - به مقدار دسترسی به وسایل کتابت - بوده است. در دوران پیامبر تکیه بر حفظ و به خاطر سپردن بود اما هدف از جمع‌آوری یادشده، استواری و تثبیت بیشتر قرآن بود. اما جمع در زمان خلافت ابوبکر عبارت از نقل قرآن و نوشتن آن در صحیفه‌های خاص به همراه

ترتیب آیه‌ها و محدود به آیه‌هایی که تلاوت آنها نسخ نشده و مستند به آیه‌های متواتر و اجماع مسلمانان بوده است. هدف از این جمع نیز ثبت و ضبط قرآن به کتابت بوده، از ترس اینکه با مرگ حاملان و حافظان آن چیزی از بین برود. اما جمع در زمان خلافت عثمان عبارت از نقل نوشته‌های صحیفه‌های ابوبکر در یک مصحف امام و نسخه‌برداری چند مصحف از آن - با لحاظ کردن مزایای ذکر شده همراه با ترتیب آیه‌ها و سوره‌ها در آنها - جهت فرستادن به بلاد اسلامی بوده است» (زرقانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۲).

در این دیدگاه چندین نکته قابل تأمل است:

اول: همان‌گونه که پیشتر نیز گذشت، روایات اهل سنت در موضوع جمع‌آوری قرآن از لحاظ مدلول، آشفتگی، تعارض و تناقض بسیار شدیدی با همدیگر دارند، به‌طوری که جمع بین آنها ممکن نمی‌باشد؛ به همین جهت فاقد اعتبار بوده و از حجیت ساقط هستند.

دوم: این اندیشمند، تعداد روایات بیشتری را مدنظر قرار داده و سعی در توجیه برخی روایات متعارض نموده است، اما به سایر روایات متعارض و متناقض در این باب توجهی نکرده و استدلال خود را بر پایه روایات گزینشی استوار نموده است.

سوم: در این دیدگاه ادعا شده که تألیف قرآن در زمان حیات پیامبر اکرم به صورت پراکنده، اما همراه با ترتیب آیه‌ها و سوره‌ها بر اساس راهنمایی آن حضرت بوده است. باید گفت: این ادعا از یک سو بی دلیل است و از سوی دیگر با دیدگاه حاکم نیشابوری مخالف است (نک: حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۴۹، ح ۲۹۰۱).

چهارم: دیدگاه مورد بحث برای صحیفه‌های جمع‌شده در زمان خلافت ابوبکر ویژگی‌هایی برشمرده که همه آنها با نکات ذیل، مورد نقد هستند:

۱) ادعا شده که یکی از ویژگی‌های صحیفه‌های یادشده این است که جمع‌آوری قرآن در آنها بر اساس دقیق‌ترین شیوه‌های جستجو و تفحص و سالم‌ترین اصول علمی نگاشتن و ثبت کردن صورت گرفته است. این سخن، ادعایی بیش نیست؛ چراکه جمع‌کنندگان آیه‌ها از قاریان و حافظان بزرگی همچون امیرمؤمنان (ع)، ابی‌بن کعب و امثال این افراد بهره‌نبرده و در مقابل تعدادی از آیه‌ها را با شهادت یک یا دو شاهد ثبت نموده‌اند! (نک: بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۱۸۴، ح ۴۹۸۹؛ ابن‌ابی‌داود، ۱۴۲۳ق، ص ۵۱؛ سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۲۰۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۵۷۴، ح ۴۷۵۶ و صص ۵۷۶-۵۷۷، ح ۴۷۶۴) پس چگونه می‌توان چنین ویژگی‌ای برای این صحیفه‌ها برشمرده؟!

۲) ویژگی دیگری که برای صحیفه‌های ابوبکر شمرده شده این است که در این صحیفه‌ها تنها به ثبت و نوشتن آیه‌هایی که تلاوت آنها نسخ نشده اکتفا شده است؛ به دیگر عبارت: آیه‌های منسوخ‌التلاوه (آیه‌هایی که تلاوت آنها نسخ شده) در صحیفه‌های ابوبکر نگاشته نشده‌اند! اگر دلیل نوشته نشدن «آیاتی که تلاوت آنها نسخ شده» این است که آن آیه‌ها از آیه‌بودن خارج شده بودند، باید گفت: از آنجا که محال

است آیه‌ای از آیه‌بودن خارج شود، پس چنین امری باطل است؛ اما اگر گفته شود چنین آیه‌هایی از آیه‌بودن خارج نمی‌شوند و دلیل نوشته نشدن، امر دیگری بوده است، خواهیم گفت: پس علت چه بوده و چرا این‌گونه آیه‌ها در صحیفه‌های مورد بحث نگاشته نشده‌اند؟! آیا در این صورت، نقصی بر این صحیفه‌ها وارد نیست و حجّیت آنها زیر سؤال نمی‌رود؟!

۳) از دیگر ویژگی‌های ادعا شده برای صحیفه‌های ابوبکر اینکه چنین صحیفه‌هایی به اجماع اُمت دست یافته و آنچه در آنها نگاشته شده بود، متواتر می‌باشد. باید گفت: در روایات اهل سنت آمده که تعدادی از آیه‌ها با شهادت یک یا دو شاهد ثبت شده‌اند! (نک: بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۱۸۴، ح ۴۹۸۹؛ ابن ابی‌داود، ۱۴۲۳ق، ص ۵۱؛ سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۲۰۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۵۷۴، ح ۴۷۵۶ و صص ۵۷۶-۵۷۷، ح ۴۷۶۴). همچنین برخی صحابه همانند عبدالله بن مسعود تعدادی از آیه‌های ثبت شده را جزو قرآن نمی‌دانستند! (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۳۵، صص ۱۱۷-۱۱۸، ح ۲۱۱۸۸-۲۱۱۸۹؛ هیشمی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۴۹، ح ۱۱۵۶۲-۱۱۵۶۳). از سوی دیگر همین اختلاف در مصحف‌ها خود گویای این است که تعدادی از آیه‌های ثبت شده در این صحیفه‌ها فاقد اجماع هستند.

پنجم: این دیدگاه به‌صورت ضمنی مصحف امیر مؤمنان را به‌عنوان نخستین مصحف جمع‌آوری شده پس از رحلت پیامبر پذیرفته، اما از جهتی ادعا کرده که مصحف مذکور، وثاقت و اطمینان صحیفه‌ها یا مصحف جمع‌شده در زمان ابوبکر را ندارد! باید گفت: گوینده خود در اینکه قرآن در زمان خلافت ابوبکر به‌صورت صحیفه‌های جمع‌آوری شده بوده است یا مصحف، تردید دارد و این تردید، ناشی از اضطراب و آشفتگی مضمون روایات اهل سنت در باب جمع‌آوری قرآن می‌باشد. از سوی دیگر شخصیت و ویژگی‌های امیر مؤمنان (ع) نزد مسلمانان آن‌قدر روشن و آشکار است که حتی به اندازه سرسوزنی نمی‌توان در مصحف آن بزرگوار خدشه‌ای وارد نمود.

ششم: از دیگر ادعاهای زرقانی این است که جمع ابوبکر در نوع خود نخستین می‌باشد. همان‌گونه‌که گذشت، ویژگی‌هایی که این اندیشمند برای صحیفه‌های جمع‌شده در زمان خلافت ابوبکر ذکر کرده، مورد نقد قرار گرفتند.

هفتم: از دیگر ادعاهای مطرح شده در این دیدگاه این است که امیر مؤمنان (ع) به نخستین بودن جمع ابوبکر اعتراف نموده است. باید گفت: حدیثی که به‌عنوان شاهد و دلیل برای این ادعا استفاده شده، حجّت بر طرف مقابل نیست؛ اما با این وجود، روایات دیگری در باب جمع‌آوری قرآن وجود دارند که با این حدیث متعارض هستند و مصحف امیر مؤمنان را نخستین مصحف تدوین شده معرفی می‌کنند (نک: ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۹۷۴؛ ابن ابی‌شیه، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۴۸، ح ۳۰۲۳۰؛ سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۲۴۸؛ ابن ابی‌داود، ۱۴۲۳ق، صص ۵۹-۶۰؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱،

صص ۳۶-۳۸، ح ۲۳-۲۶؛ اُبُرنعیم، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۶۷؛ ابن ندیم، ۱۴۱۷ق، صص ۴۵-۴۶).
هشتم: در این دیدگاه ادعا شده که در زمان خلافت عثمان «مصحف امام» نوشته شد؛ اما این مدعا با حدیثی که می‌گوید «مصحف امام» در زمان عمر نوشته شد، متعارض و متناقض خواهد بود (نک: ابن ابی داود، ۱۴۲۳ق، ص ۶۳؛ متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۵۷۵، ح ۴۷۶۰).

۱۱. نتیجه‌گیری

بر پایه‌ی یافته‌های این پژوهش، اندیشمندان اهل سنت در اصل الهی و وحیانی بودن قرآن هم‌داستان‌اند؛ اما در چگونگی و زمان‌بندی فرایند گردآوری آن دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. بررسی تطبیقی منابع حدیثی، تفسیری و تاریخی نشان می‌دهد که روایات مربوط به جمع قرآن در برخی موارد دچار تعارض و ناهماهنگی است؛ ازاین‌رو، ارائه روایتی واحد و قطعی از مراحل آن دشوار می‌نماید. در عین حال، دیدگاه‌ها و رویکردهای علمی این اندیشمندان، با وجود تفاوت‌های جزئی در روش‌شناسی، بر چند اصل مشترک استوار است: تحلیل تاریخی دقیق، استناد به منابع معتبر، تلفیق روش‌های تحلیلی، توجه به نقش شخصیت‌های کلیدی در تاریخ قرآن و دفاع از صحت و دقت فرایند جمع‌آوری آن. بدین ترتیب، آنان کوشیده‌اند تصویری مستند، منسجم و علمی از روند گردآوری و تدوین قرآن ارائه داده و نشان دهند که این فرایند، نقشی بنیادین در حفظ، انتقال و تداوم اصالت متن قرآن در طول تاریخ داشته است؛ اصلی که مورد اجماع همه‌ی مسلمانان به‌شمار می‌آید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن ابی داود، عبدالله بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). المصاحف. تحقیق: محمد بن عبده. قاهره: الفاروق الحديثة.
- ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد. (۱۴۰۹ق). المصنف فی الأحادیث والآثار. (ج ۶). تحقیق: کمال یوسف الحوت. ریاض: مکتبة الرشد.
- ابن حبان، محمد. (۱۴۱۴ق). صحیح ابن حبان بترتیب ابن بابان. (ج ۱۰). تحقیق: شعیب الأرناؤوط. بیروت: مؤسسه الرساله.
- ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی. (۱۳۷۹ق). فتح الباری شرح صحیح البخاری. (ج ۹). تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي. بیروت: دارالمعرفه.
- ابن حنبل، احمد بن محمد. (۱۴۲۱ق). المسند (مسند أحمد). (ج ۳۵). تحقیق: شعیب الأرناؤوط - عادل مرشد و... . بیروت: مؤسسه الرساله.
- ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله. (۱۴۱۲ق). الاستیعاب فی معرفة الأصحاب. (ج ۳). تحقیق: علی محمد البجاوی. بیروت: دارالجيل.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (۱۴۱۷ق). الفهرست. تحقیق: إبراهیم رمضان. (چاپ دوم). بیروت: دارالمعرفه.
- أبو نعیم، أحمد بن عبدالله. (۱۳۹۴ق). حلیه الأولیاء وطبقات الأصفیاء. (ج ۱). مصر: السعاده.
- باقلانی، محمد بن طیب. (۱۴۲۲ق). الانتصار للقرآن. (ج ۱). تحقیق: محمد عصام القضاة. بیروت: دار ابن حزم.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ق). الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله وسننه وأتیامه (صحیح البخاری). (ج ۶، ۹). تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر. دار طوق النجاة (افست از سلطانیه).
- بیهقی، أحمد بن حسین. (۱۴۲۳ق). شعب الإیمان. (ج ۱-۲). تحقیق: عبدالعلی عبدالحمید حامد. ریاض: مکتبه الرشد/بومبای هند - الدار السلفیه.
- بیهقی، أحمد بن حسین. (۱۴۲۴ق). السنن الکبری. (ج ۲؛ چاپ سوم). تحقیق: محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. (ج ۱). تحقیق: محمد باقر محمودی. تهران: مجمع احیای فرهنگ اسلامی.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). المستدرک علی الصحیحین. (ج ۲). تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خازن، علی بن محمد. (۱۴۱۵ق). لباب التأویل فی معانی التنزیل. (ج ۱). تحقیق: محمد علی شاهین. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم. (بی تا). مناهل العرفان فی علوم القرآن. (ج ۱، چاپ سوم). قاهره: چاپخانه عیسی البابی الحلبي وشركاه.
- زرکشی، محمد بن عبدالله. (۱۳۷۶ق). البرهان فی علوم القرآن. (ج ۱). تحقیق: محمد أبوالفضل إبراهیم. قاهره: دار إحياء الکتب العربیه.
- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر. (۱۳۹۴ق). الإقتان فی علوم القرآن. (ج ۱). تحقیق: محمد أبوالفضل إبراهیم. مصر:

- الهیئه المصریه العامه للكتاب.
- طبرانی، سلیمان بن أحمد. (۱۴۱۵ق). المعجم الأوسط. (ج ۲، ۴). تحقیق: قسم تحقیق دارالحرمین. قاهره: دارالحرمین.
- قرطبی، محمد بن أحمد. (۱۳۸۴ق). الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی). (ج ۱؛ چاپ دوم). تحقیق: أحمد البردونی وإبراهیم أطفیش. قاهره: دارالکتب المصریه.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین. (۱۴۰۱ق). كنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال. (ج ۲؛ چاپ پنجم). تحقیق: بکری حیانی وصفوه السقا. بیروت: مؤسسه الرساله.
- محب الدین طبری، أحمد بن عبدالله. (بی تا). الرياض النضره فی مناقب العشره. (ج ۱؛ چاپ دوم). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مسلم نیشابوری، مسلم بن حجاج. (بی تا). المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله (صحيح مسلم). (ج ۲). تحقیق: محمدفؤاد عبدالباقي. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- موسوی منش، نصرالله بن عبدالرضا. (۱۴۰۲). نسیم رحمانی در جمع و تدوین آیات قرآنی. قم: رسالت.
- نسائی، أحمد بن شعيب. (۱۴۲۱ق). السنن الكبرى. (ج ۶). تحقیق: حسن عبدالمنعم شلبي. بیروت: مؤسسه الرساله.
- نظام الدین نیشابوری، حسن بن محمد. (۱۴۱۶ق). غرائب القرآن و رغائب الفرقان. (ج ۱). تحقیق: الشیخ زکریا عمیرات. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- هیثمی، علی بن ابی بکر. (۱۴۱۴ق). مجمع الزوائد و منبع الفوائد. (ج ۵، ۷). تحقیق: حسام الدین قدسی. قاهره: مکتبه القدسی.
- یعقوبی، أحمد بن ابی یعقوب. (بی تا). تاریخ یعقوبی. (ج ۲). بیروت: دار صادر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی